

جوانه های سبز دموکراسی در اعتصاب غذا ی جنبش سبز نیویورک

سعید سلطا نیور- نیویورک
pr@glassceiling.ca

سی و شش نفر از روشنفکران ایرانی مقیم آمریکا و کانادا در نامه ای اعلام کرده بودند که برای "پشتیبانی از جنبش سبز مردم ایران" و به قصد "محکوم کردن تقلب گسترده در انتخابات، سرکوب بی رحمانه اعتراضات مردمی و بازداشت غیرقانونی صدها شهروند و فعال سیاسی و اجتماعی" به مدت سه روز دست به اعتصاب غذا می زنند.

برای پوشش خبری اعتصاب غذای نیویورک و نیز حمایت از آن که از روز چهارشنبه 22 جولای برابر با 30 تیر آغاز و در روز جمعه بعد از ظهر 24 جولای پایان یافت، روز سه شنبه ساعت 3 بعد از ظهر عازم نیویورک شدیم.

ساعت 4 صبح به نیویورک رسیدیم. شانس آورده بودیم که قبل از لغو شدن رزرو اتاقها به هتل رسیدیم. یک چرت کوتاهی زدیم و ساعت 8 صبح زدیم بیرون. هنوز نیویورک کاملاً فعال نشده بود و خیابانهای شمالی جنوبی (اونیوها) ترافیک نبود ولی تاکسی کمتر پیدا میشد و با توجه به ترافیک نیویورک تصمیم گرفتیم از خیابان هشتم تا اول را که 20 دقیقه ای طول می کشید را پیاده گز کنیم.

شرجی، هوای نیویورک را برای ما گرمتر میکرد. از نسیم تورنتو هم بدلیل ساختمانهای بلند خبری نبود. با دکتر **براهنی**، از چهره های ادبی و حقوق بشر ساکن ریچموند هیل و **حسن زهری**، سردبیر نشریه شهروند، به همراه **حسن بانای** فیلمبردار و **حسین** همراه غیر سیاسی مان با ادامه گفت و گو های طول مسیری که طولانی بودن راه را بر ما آسان کرده بود. و اینکه جنبش سبز مردم ایران تحولی دوباره در ایجاد وحدت احیا کرده است زیرا که جمع اضداد سیاسی و فکری را با هم در یک حرکت حقوق بشری و سیاسی در کنار هم قرار می داد که انرژی مثبتی به همه ما می داد.

از خیابان دوم که رد شدیم چهارشنبه بازار میوه دست فروشان در پیاه رو بزرگ و سنگفرش شده زیر سایه سبزدرختان بزرگ قدیمی حال و هوای دیگری به خیمه و خرگاه اعتصابیون سبز می داد. که مرا یاد خیابان مصدق (ولی عصر فعلی و شاه سابق تهران) در دوران انقلاب 57 می انداخت. عکسهای دوران انتخابات ریاست جمهوری امسال را که دختران و پسران ایرانی با شور و شوق در لابلای ماشینها از کاندیداهای خود دفاع می کردند از جلوی چشمانم رژه می رفت و اینکه چگونه امید این جوانان متعلق به دو اردوی مخالف با طرحهای ضد مردمی استبدادیون که عقبه شان به شیخ فضل اله نوری می رسد بر باد رفته است.

حضور **گوگوش** هنرمند نامی و فراملی ایرانی و **نوام چامسکی** نام آور ترین چهره ضد جنگ و ضد سیاست توسعه طلبانه امریکائی از هفته قبل توجه بسیاری از ایرانی ها و خبرگزاری های جهان را جلب کرده بود.

وارد محوطه که شدیم در حدود 30-40 نفری منجمله اکیرگنجی چهره شناخته شده حقوق بشری که پروسه زیادی را در این چند ساله از باور به نظام استبداد دینی تا متحول شدن به یک فعال سیاسی و حقوق بشری مذهبی علیه استبداد را طی کرده است و یکی از طولانی ترین و جنجالی ترین اعتصاب غذاهای تاریخ معاصر پروفیسور **حمید دباشی** چهره آشنای دیگری بود که شمایل های سبزی ایران را که از آن خود کرده است را دیدیم. را بر گردن آویزان کرده بودند که روی آن به انگلیسی و فارسی نوشته شده بود اعتصاب غذا.

با آنها سلام و علیک کردیم. **گنجی** با دکتر **براهنی** و **حسن زرهمی** روبوسی کرد و شما یل سبز حمایت را برای دکتر بست. داوطلب جوانی از من خواست که به چادر اطلاعات بروم و اسم بنویسم و بسته خبری را دریافت کنم.

داوطلبان همه پیراهنهای زرد رنگی را بر تن داشتند که بر پشت آن به انگلیسی نوشته شده بود " داوطلب" و کلمه ایران به فارسی و جلوی پیرهن نیز در دایره ای " ایران " نوشته شده بود.

مهدی سحر خیز را دیدم و از وضعیت پدرش (**عیسی سحر خیز**) پرسیدم. **عیسی سحر خیز** یکی از روزنامه نگاران شجاعی هست که علنی از خامنه ای و استبداد انتقاد صریح می کرد. قرار شد که فایل صوتی گفت و گو و مصاحبه ام با پدرش را که بخاطر ابراز عقیده دستگیر شده بود، را برایش بفرستم.

روز اول – چهارشنبه 22 جولای

برنامه های روز اول با تاخیر شروع شد. تا ساعت 10 هنوز از بلندگوها خبری نبود. تا ساعت 11 هم خبری از شروع برنامه نبود. از یکی از مسولان برنامه را پرسیدم که گفت خانم نیره توحیدی که از امضا کنندگان اعلامیه هم هستند، باید برنامه را شروع می کردند که دیر کرده بود.

مشخص شد که **نوام چامسکی** فردا خواهد آمد. برای ارسال عکسها برای **سلام تورنتو** دنبال یک کافه اینترنتی گشتم که در خیابان بعدی در قسمت عقب یک مغازه کوچک بقالی پیدا کردم که صاحبش از هندی های بمبئی بود.

تا برگشتیم 40 دقیقه ای شد **حسن** گفت **گوگوش** اینجا بود و متنی را خواند و رفته است. هم از صحبت های **گوگوش** فیلم گرفته بود. **گوگوش** مورد توجه رسانه های زیادی قرار گرفته بود. وی همراه با دو خانم که بنظر غیر ایرانی می آمدند با ماشینی محل را ترک کرده بود. **گوگوش** در مجموع یک ساعت هم در محل حضور نداشت. **گوگوش** لباس سفیدی بر تن داشت و شال سبزی را، که خانمی هنگام مصاحبه بر دورگردن وی انداخت.

پیام گوگوش

گوگوش از روی نوشته می خواند، صدایش کمی می لرزید که با توجه به اینکه **گوگوش** از کودکی جلوی مردم و دوربین بوده است زیاد طبیعی بنظر نمی آمد. شاید هم این اولین باری بود که در این نوع مراسم حضور پیدا می کرد. شنیدم که این متن نوشته شده خود **گوگوش** نبود و کسی دیگری برایش نوشته است. آقای **رخ صفت** از دست اندرکاران اصلی این برنامه که قبلا هم ساکن تورنتو بودند گفت مگر نوشتن پیام توسط دیگران اشکالی دارد؟ گفتم نه اتفاقا متن خوب سیاسی بود که همه جناحها را راضی نگه داشته بود. مثلا در آخر پیامش، برای راضی نگهداشتن تلویزیونهای لس آنجلسی که تبلیغات وسیعی علیه این اعتصاب غذا و حمایت **گوگوش** از درخواست اکبر **گنجی** را، از پرچم شیرو خورشید یاد کرد و آنرا با قدمتی تاریخی خواند در حالیکه پرچم فعلی 3 رنگ شیر و خورشید سابقه اش به اواخر قاجار می رسد.

با کسی که با **گوگوش** مصاحبه کرده بود صحبت می کردم گفت که **گوگوش** قدرت بیان و سواد گفتاری خوبی دارد ولی قدرت نوشتن متن چند جمله ای را ندارد... خوب بود می فهمیدیم خودش نوشته یا داده کسی دیگر؟ داخل ایران و یا خارج. هر چند همیشه حرفها و حدیثها در مورد هنرمندان بوده است ولی این بار تحلیل گر ان سیاسی هم اضافه شده اند. مثلا گفته می شد که سعید حجاریان در اجازه خروج **گوگوش** از ایران که به واسطه گری

مسعود کیمیانی انجام شده است نقش داشته است و اکنون گوگوش با حمایت و حضورش جبران آن را کرده است. بنظر من اگر هم چنین بوده باشد گوگوش کار درستی با حضورش انجام داده است اینکه پس پرده ای هم وجود داشته باشد، در اصل تغییری نمی دهد.

گوگوش مهمتر بود یا چامسکی ؟

سر این مسله نظرات مختلفی بود. در حالیکه افرادی که سیاسی هستند معتقد بودند حمایت گوگوش مثبت بوده است، ولی تفاوت جدی در مقام وی با دیگران نمی دیدند. البته برخی هم چندان خوشحال بنظر نمی رسیدند مثلاً برنامه 20:30 تلویزیون جمهوری اسلامی سخنان گنجی را در کنار حمایت گوگوش و ابی پخش کرده است. شاید هم از اینکه خواننده ای در جنبشی که تا کنون در انحصار روشنفکران و سیاستمداران بوده است، چندان احساس خوبی نمی کردند. با کسانی که در زیر چادر برای امان ما نندن از باران شدید جمع شده بودیم، من نظر دوستان حسین را که سیاسی نیست و می گفت گوگوش را چندان که در خور وی بود تحویل گرفته نشده است، طرح کردم. گفتم از نظر رسانه ای گوگوش باید بیشتر مورد توجه قرار می گرفت زیرا وی یک هنرمند فراملی هست و اولین زن خواننده مشهوری هست که در صف مبارزه عمومی مردم ایران ایستاده است. آقای مصطفی رخ صفت گفتند یعنی از چامسکی هم بالاتر هست؟ گفتم چامسکی را بسیاری از مردم ایران نمی شناسند، در افغانستان و تاجیکستان هم گوگوش را می شناسند و این اعتصاب همراه با گوگوش در بسیاری از روستاهای ایران خواهد رفت. کما اینکه در میان جمع شرکت کنندگان مراسم، کسی بود که پرسید این آقای هست؟ منظور ش چامسکی بود. چامسکی اول، یک چهره دانشگاهی هست و بعد یک چهره اجتماعی. در حالیکه گوگوش چهره هنری هست با پایگاه های اجتماعی خاص خودشان و به همین دلیل تفاوت عمده ای بین این دو نام هست البته هر کدام از زاویه ای به جنبش دموکراسی خواهی مردم ایران کمک می کنند و مقایسه کردن آنان ممکن نیست. البته نظریه من طرفدار چندانانی بین دوستان روشنفکر نداشت و دنبال آنرا نگرفتم.

دکتر براهنی تعریف می کرد که سالیان گذشته برای کارهای ادبی به تاجیکستان دعوت شده بود در پایان از وی خواستند که سلامشان را به گوگوش برساند. دکتر علت را می پرسد و آنها می گویند زبان فارسی را گوگوش با ترا نه هایش در آن سرزمین در دوران تسلط روسها زنده نگه داشته است. یک خیابان در عشق آباد به نام گوگوش هست.

این در حالی است که چامسکی موقع ورود و خارج شدن به شدت مورد استقبال حاضرین قرار گرفت در حالیکه حضور گوگوش چندان پرسرو صدا نبوده است. در حالی که گوگوش در همان نیویورک براحتی می توانست کنسرتی بر گزار کند که چندین هزار نفر در آن بلیط 50 دلاری بخرند و وی ستاره آن مراسم باشد. چامسکی هم همین ویژگی را دارد منتها پایگاه اجتماعی هر دو متفاوت است. این نشان می دهد که هنوز شکاف های جدی در پیوند بین هنرمندان مخصوصاً خوانندگان پاپ و روشنفکران ایرانی وجود دارد.

شهره آغد اشلو هنرمند هالیوودی و شیرین نشاط فیلم ساز و عکاس ساکن نیویورک که فیلم مردان بدون زن را از روی کتاب شهرنوش پارسی پور ساخته است، گفت ما برای رسیدگی به مساله حقوق بشر در اینجا جمع شده ایم، نشاط می گوید هر کدام از ما که گمان می کنیم صدایمان تأثیری هر چند اندک خواهد داشت، گناهکاریم اگر صدایمان بلند نکنیم.

حمید دباشی پروفیسور دانشگاه کلمبیا از سخنرانان بعدی بود.

بیانیه حمایت آقای رضا مریدی نماینده ریچموند هیل در پارلمان انتاریو را بزبان فارسی و انگلیسی قرائت کردم. سپس به عنوان نماینده رسانه مان (سلام تورنتو) از نقش پررنگ جامعه ایرانی کا نادا در آزادی بیان و رسانه ها یادی از شهید زهرا کاظمی که سالهاست پرونده اش پیگیری عادلانه ای نمیشود، درضمن در خواست از دولت کا نادا که در مورد آزادی مازیار بهاری روزنامه نگار ایرانی کاندائی پیگیری بیشتری انجام بدهد.

از زندانی شدن پروفیسور **جهانبگلو** و دکتر **براهنی** که شهروندان ایرانی کانادائی هستند نیز یاد کردم . همچنین حضور حداقل 30 نفر از کانادا که بیشترین آنها از بزرگ شهر **تورنتو** (جی تی ای) بودند دلیل بر حس مسولیت تورنتو هست . همچنین از بر گزارکنندگان مراسم تشکر کردم که نشان دادند علیرغم تکثر فکری می توانیم در کنار مردم ایران بایستیم .

دختر **رابرت رسیلنی** و **اینگرید برگمن** بعد از ظهر در تحصن شرکت کرد و سخنانی کوتاهی در حمایت از اعتصابیون و مردم ایران گفت .
امروز تعداد شرکت کنندگان بیش از 500 نفر تخمین زده می شد .

روز دوم- 5 شنبه 23 جولای 2009

مجری برنامه امروز **شیرین نشاط** بود . **نیما محمدی** نوجوان سرود ای ایران را با ویلون نواخت . سپس **گنجی** در صحبتهایش گفت که مخالف هر گونه مداخله نظامی در ایران هست .
وی تاکید کرد که حضور ما در کنار سازمان ملل سمبلیک هست و سازمان ملل نهاد دموکراتیکی نیست بدلیل وجود دولتهای غیر دموکراتیک در آن . وی از خانم **لونیس** اربور رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان (که کانادائی هست -س) نقل کرد که بعد از 3 ساعت گفتگو در مورد نقض حقوق بشر در ایران ، به من گفت که از این شورای حقوق بشر انتظاری نداشته باش . نیم میلیون آدم در سودان مرده اند یک بیانیه هم از اینجا د رنمی آید .
گنجی افزود که شورای حقوق بشر که متشکل از 53 کشور هست که اکثر آنها غیر دموکراتیک هستند .

مهدی سحرخیز قبل از اینکه صحبتهایش را در جمع بکند به من گفت که پدرش را در هنگام دستگیری خشونت بکاب برده اند و دو دنده وی را شکسته اند و وی در سلول انفرادی هست و به همسرش گفته است به این زودی ها منتظر آزادی وی نباشند . مصاحبه ای هم با مهدی انجام دادم که همین هفته منتشر می شود .

دکتر **مهرداد مشایخی** ، استاد جامعه شناسی دانشگاه **جورج تاون** از 5 خصلت نسل نو پای سیاسی یاد کرد این نسل نگاهی جهانی دارد و جهانی فکر و عمل می کند
استفاده از امکانات تکنولوژیک جدید توسط جوانان
دنبال گفتمان حق مدار بودن
نسل غیر ایدئولوژیک که به دنبال یک یوتوپیا نمی گردد
عدم تمرکز به عنوان نقطه قوت جنبش هست
دکتر **مشایخی** با گفتن امروز سبز، فردا رنگین کمان ادامه داد که رهبران جنبش از حمایت تا زمانی بر خوردار هستند که بر ابطال انتخابات بمانند.

شهرنوش پارسسی پور نویسنده ساکن آمریکا اعلام کرد که " مردم بدون هیچ طرحی جنبش سبز را به پیش می برند و هر فرد در این جنبش نقش رهبری دارد.
وی به استفاده از کلمه «مرگ» در شعارها اشاره کرد و گفت: سی سال است در ایران شعار مرگ بر آمریکا سر داده می شود و در روز جمعه دیدم که مرگ بر روسیه و چین نیز سر داده شد. باید با هر شعار «مرگ» مخالفت کرد و بهتر است به جای مرگ از کلمات دیگری شود. مثلا به جای مرگ بر روسیه گفته شود روسیه حیا کن.
پارسسی پور گفت که ما خودمان در به وجود آمدن چنین جوی در اوایل انقلاب مقصر هستیم. ما بودیم که **خلخال** را هارتر کردیم .

عبدی کلانتری نویسنده و منتقد ساکن نیویورک، که روز چهارشنبه نامه **محمد رضا نیکفر** اندیشمند ایرانی ساکن آلمان را خوانده بود روز پنجشنبه مطالب خود را گفت. **نیکفر** نوشته بود که این ما نیستیم که از آنان می ترسیم آنان هستند که از ما می ترسند. ما باید جلوی آنها را بگیریم اگر چه بسیار ترسناک هستند.

احمد باطبی که بدلیل چاپ عکس "پیراهن خونی بر روی دستانش" در وقایع هیجده تیر ۱۳۷۸، بر روی جلد مجله اکونومیست حکم اعدام گرفته بود و به مشهورترین زندانی سیاسی ایرانی در جهان تبدیل شد و بعد از 10 سال با وثیقه گذاشتن سند خانه مهندس **میثمی** از زندان آزاد شده بود، نیز در این مراسم شرکت داشت. **باطبی** در مورد تاثیرات مهم تجمعات و اعتراضات خارج کشوری ها و نحوه بهتر شدن زندانبانها تاکید کرد هر چند که کوتاه مدت هست. **باطبی** گفت حکومت در برابر فشارهای جهانی در مورد حقوق بشر عکس العمل نشان می دهد. وی راهکارها را یکی جلب توجه رسانه ها به مسائل ایران و دیگری از طریق گروههای غیر دولتی بخواهیم که دولتها، دولت کودتا را برسمیت نشناسند. در حال حاضر **باطبی** برای **صدای امریکا** با گزارش تهیه می کند که در این رابطه با شرکت کنندگان هم مصاحبه هائی انجام می داد.

نوید حادقی، نماینده گروه «رای من کجاست؟» در نیویورک، حمایت خود را خواند. سپس **سارا سلامت** پیام **حسن یوسفی اشکوری** را که در ایتالیا بسر می برد خواند. بخشی از پیام این هست:

ملت ایران دیری است که گرفتار انواع تبعیض ها و بی عدالتی ها و ستم ها است و مبارزات بیش از یک قرنه آن هنوز به مرز مطلوب نرسیده است. نه انقلاب قانون خواهی مشروطیت به تمام اهداف خود رسید و نه انقلاب مبنی بر عدالت و آزادی و اخلاق گرایی اسلامی ایران به وعده های داده شده خودجامه عمل پوشاند.

حاکمان اقتدارگرای ایران حاضر نیستند به خواسته های مردم ایران، حتی در چهارچوب قانون اساسی خود، تن در دهند و دست کم بخشی از حقوق ملت را به آنان باز گردانند در انتخابات اخیر می رفت که اندک تغییری در بلوک قدرت بلامنازع و ولایت مطلقه فقیه جمهوری اسلامی رخ دهد اما با یک کودتای سیاه انتخاباتی این اندک امید نیز اجتماعات، ضرب به یأس شد. اعتراضات حق طلبانه مردم تحمل نشد و با استفاده از انواع ابزار سرکوب (حمله به جوانان و دیگران) به مقابله و جرح انبوه مردم، دستگیریهای گسترده و قتل شماری قابل توجه از اکنون دیگر مردم و بویژه خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی تنها نیستند و می توان گفت که کنج هر برخواستند خانه ای در ایران و دیوار هر سلولی در اوین به شبکه ی افکار و وجدانهای آزادیخواهان جهان پیوند دارد و این می تواند از پیروزی عدالت و آزادی در آینده ای نه چندان دور در ایران خبر دهد.

دکتر **امیر خدیو** نماینده پارلمان کبک پیام حمایتی را فرستاد.
سحر زهی در مورد اعتصاب غذای یک روزه تورنتو و حرکت دوچرخه سواران از تورنتو به اتاوا برای تحویل 3800 امضا در روز شنبه 25 جولای به زبان انگلیسی خبر داد.

رضا فانی یزدی از زندانیان سیاسی چپ و از بازماندگان اعدام های 67 که الان ساکن امریکا هست در مورد حمایت از سران جنبش سبز سخن گفت و تاکید کرد که توهین کردن به رهبران جنبش سبز همراهی با احمدی نژاد هست. وی گفت که موسوی و کروبی و خاتمی در حال حاضر رهبران جنبش سبز هستند و نمی شود از جنبش حمایت کرد ولی به رهبران آن توهین کرد.
 وی تجارب خود را در فشارهای جهانی بر ای بهبود شرایط زندانیان بر شمرد مثلا دادن ملاقات به زندانی سیاسی و ازادی زندانی که بدون دلیل بازداشت شده است، می شود. فشار بر روی زندانیان کمتر می شود. مصاحبه ای هم با **رضا فانی** انجام داده ام که در شماره های آینده انرا خواهیدخواند.

دکتر **کاظم علمداری جامعه شناس** سخنران دیگر این مراسم به بررسی «جنبش سبز» ایران پرداخت و یادآور شد که مقاومت مردم کلید پیشبرد حرکت است و باید ادامه پیدا کند. علمداری که از چپ های سابق هست می گوید "آنچه که اتفاق افتاده برگشت ناپذیر است و هیچ دیکتاتوری در تاریخ نتوانسته است پیش بینی کند که چه زمانی سقوط خواهد کرد.
 با دکتر علمداری هم مصاحبه ای انجام داده ام که در شماره های آینده منتشر خواهد شد.

امید از **سائفرانسيسكو** در مورد برنامه شنبه 25 جولای و شرکت 10 تا 15 هزار نفری ایرانیان خبر داد.
عیسی رنجبران از زندانیان سیاسی که از کبک به نیویورک آمده بود، نیز پیام همبستگی مادر 3 شهید را خواند که در ایران همراه با جمع اعتصاب غذا کرده است.

بیبا یکی از سخنگویان " اتحاد برای ایران " در مورد راهپیمایی روز جهانی اتحاد برای ایران در 80 کشور دنیا به زبان انگلیسی خبر داد
سپس اکبر گنجی، از **براهنی** خواست که **چامسکی** را معرفی کند و از **دباشی** خواست تا حرف های **چامسکی** را ترجمه کند.

دکتر **براهنی** مجرای دفاع **چامسکی** از وی در سی سال پیش را که وی زندانی شاه بود برای حاضران نقل کرد و گفت چامسکی همواره دوست مردمان در رنج مردم جهان بوده است. این برای ما (ایرانیان) هم شامل کسانی می شود که در رژیم سابق مورد ستم بودند و هم آنها که امروز توسط این رژیم مورد ستم هستند. او ادامه داد که من به شاگردی و دوستی با نوام **چامسکی** افتخار می کنم، و به این اشاره کرد که در کنار آموختن از او در حوزه های فرهنگ، زبان شناسی و فلسفه، او همزمان از جمله کسانی بوده است که همراه با دو یا سه نسل و در تمام کشورهای جهان علیه اختناق جنگیده است

چامسکی هم گفت: «بیست سی سال پیش هم که با رضا (براهنی) در مبارزه مشارکت می کردیم هم همین حرف های امروز را می زدیم. او به پارچه ی پشت سرش که نام زندانیان و جان باختگان بعد از انتخابات بر آن نقش بسته بود، اشاره کرد و گفت: امروز فقط فقط اسم ها را باید عوض کرد، ولی واقعیت هنوز همان است که بود.

و نام های جدید را جایگزین کرد.»

چامسکی گفت: «امروز مردم ایران مبارزه ظریفی را پیش می برند. هم علیه دیکتاتوری مبارزه می کنند و هم آب به آسیاب دشمن نمی ریزند. مردم جهان در حال یاد گرفتن از این مبارزه ایرانیان هستند.»

چامسکی افزود: «سابقه آمریکا در تاریخ ایران سابقه خوبی نیست، از این رو نباید آمریکایی‌ها هم به دنبال بهره‌برداری باشند. آن چه در ایران می‌گذرد، نقطه‌ای نورانی برای بقیه دنیاست.»

وی در پاسخ به پرسش یکی از حاضران که چه قاعده و توصیه‌ای برای این حرکت در ایران با توجه به تجربه‌هایتان در کشورهای مختلف دارید، گفت: «فکر نمی‌کنم هیچ قاعده خاصی وجود داشته باشد. اما اول از همه باید آگاهی‌ها را افزایش داد. روش‌ها در فضاها و مکان‌های مختلف متفاوت هستند. برای مثال، من و رضا (براهنی) در مورد رژیم شاه به گونه‌ای عمل می‌کردیم و بعدها به نوعی دیگر. روش‌ها به مسیر حرکت و مکان آن بستگی دارد. در مورد ایران امروز نیز این ایرانیان داخل هستند که مسیر و اهدافشان را انتخاب می‌کنند. باید از آنها یاد گرفت.»

بعد از رفتن چامسکی بر شدت باران افزوده شد که در برنامه تغییراتی داد. مثلاً دختر رابرت ردفورد حضورش را لغو کرد. همه مجبور شدند که همه به زیر چادرو یا سر پناهی بروند.

در این میان برخی از جوان تر های جمعیت با انرژی به اهنگ های فرامرز اصلانی گوش دادند بعد هم در بیرون چاد رزیر باران سرود یار دبستانی و سرودهای دیگر را خواندند که حال و هوای دیگری به این مراسم می داد. جمعیت جوان داوطلب باضافه برخی از سبزه های جوان از یک مرد میانسال خوش پوش که در روز گذشته از صبح ساعت 9 تا ساعت 8 شب در کمال سکوت پرچم شیرو خورشید را در دست گرفته بود. امروز هم به همان شیوه عمل کرده بود دعوت کردند که به جمع آنها در این طرف بپیوندند. جمعیت یک " نعل اسب- یو " تشکیل داد و سرود ای ایران در حالیکه تنها فرد پرچم بدست با پرچم کوچک شیر و خورشید در وسط " یو " قرار گرفته بود خواندند. و با هم عکس یادگاری گرفتند.

این شخص که سلطنت طلب هم نبود، معتقد بود که بایستی علیه جمهوری اسلامی شعار داده میشد و می گفت پرچم سبز هم یک نوع پرچم هست. این شخص روز سوم هم صفش را از سلطنت طلبان جدا کرد و در پیاده روی کنار اعتصابیون ایستاد.

ادب و استقامت این شخص تحسین بسیاری را برانگیخت.

در این مراسم با دکتر برقی و مهندس غروی و دکتر وحدت و دکتر محمدی و دکتر حسین کمالی و دکتر قائم مقام مصاحبه هایی را انجام دادیم.

در امروز تعداد شرکت کنندگان در حدود 200 نفر تخمین زده می شد.

مانه چتر داشتیم و نه سرپناه. در ساعت 6 بعد از ظهر هم تاکسی گیر مان نمی آمد که بتوانیم به هتل برگردیم نگرانی مان هم دستگاه های فیلم برداری و صوتی بود که باران دشمن آنها هست و خلاصه باچندین کیلو اضافه وزن از باران به هتل رسیدیم.

روز سوم جمعه 24 جولای

امروز تعدادی از نیروهای سلطنت طلب در برابر این تجمع صف کشیده بودند. تعدادشان به 10 نفری می رسید. سن طرفداران سلطنت کمتر از 50 سال بنظر نمی رسید بدلیل هو کردن و شعار هایشان پلیس را مجبور کردند آنها را به سمت دیگر خیابان هدایت کند. رضا (یکی از شرکت کنندگان از تورنتو) به من گفت که شهرام همایون در برنامه تلویزیونی اش اعلام کرده بود که این اعتصاب غذا متعلق به طرفداران جمهوری اسلامی هست و از بینندگان خود خواسته بود که به تظاهر ات بر علیه این گروه بپردازند. رضا گفت همایون اعلام کرده بود در آن شب بیش از 1800 نفر برای تظاهرات ثبت نام کرده بودند که 10 نفر بیشتر حضور پیدا نکرده بودند.

یکی از این افراد در حالی که پرچم شیر و خورشید و آمریکا را در دست داشت وارد این بخش شد و مرتب می گفت دموکراسی هست و جو را تا حدودی متشنج کرد و به خانمی که از ایشان می خواست انجا را ترک کند بددهانی می کرد . و با دخالت پلیس مجبور شد که محوطه را ترک کند .
در بخش دیگری هم 3 تن از طرفداران **اشرف دهنقانی** حضور داشتند که در سکوت شعارهایشان را روی پارچه های سفید کوچکی نوشته بودند.
هم تعدادی از طرفداران **مجاهدین** هم در جلوی سازمان ملل (200 متر بالاتر از محل اعتصاب) تظاهرات خودشان را داشتند .

روز سوم با سخنان گنجی با اشاره به این جریان آغاز شد
در حالی که دموکراسی سیستمی است که همه با هم برابرندولی جمهوری اسلامی از ابتدا برای روحانیت حق ویژه قابل شد . از سوی دیگر برخی گروه ها از همین حالا به یک خاندان (سلطنت) حق ویژه می دهند که تا آخر و به شکل میراثی حکومت کنند.
گنجی با تاکید بر اینکه «ما اینجا جمع شده ایم برای اعتراض به رژیم که دزد و دروغگو است. گفت: جالب است که خارج از ایران نیز برخی گروه ها هستند که تا هرجا تجمع و اعتراضی شکل می گیرد می خواهند بگویند این تجمع مال گروه ما است. این هم دزدی است. دموکراسی یعنی یک رژیم پلورالیستی .

وی با اشاره به گروه مخالفی که اعتصابیون اعتراض می کرد گفت: «ما از هر نوع تجمعی دفاع می کنیم اما تجمع هیچ گروهی را برهم نمی زنیم. اگر سی سال است که در آمریکا زندگی می کنیم و هنوز این موضوع را یاد نگرفته ایم چگونه به مردم ایران وعده دموکراسی می دهید؟
وی تاکید کرد چگونه شما این افراد را که در زندان های دهه 60 بوده اند متهم به طرفداری از جمهوری اسلامی می کنید . ما مستقیم و استقلال داریم. نه به جمهوری اسلامی وابسته ایم و نه دولت آمریکا. یک عده نشسته اند و از واشینگتن و لوس آنجلس و شهرهای دیگر و به دولت آمریکا می گویند بروید ایران را بمباران کنید و حکومت را تحویل ما بدهید. اگر واقعا اهل مبارزه آید بروید به تهران و با حکومت بجنگید.
دکتر **مجید محمدی** جامعه شناس از دانشگاه نیویورک از متحصنین و مسول تشریح الکترونیکی گزار نیز سخنانی را بیان کرد .

دکتر **آرش نراقی** یکی از زیباترین و عرفانی ترین سخنرانی ها را بدون نوشته بر اساس عرفان و مولوی بیان کرد
وی به مقوله «امنیت و معیشت» و تفاوت هایش با «حق امنیت و حق معیشت» پرداخت. نراقی گفت " حق تامین نمی شود مگر اینکه موثر بودن تعیین سرنوشت صاحبان حق تضمین شود. " وی گفت

"نه گفتن مردم در انتخابات اخیر نشان داد که دوران پدرسالاری به سر آمده و مردم بدنبال حق مشارکت موثر خود هستند."
نراقی با اشاره به «کودتای انتخاباتی» در ایران گفت که حکومت با نقض حق تعیین موثر سرنوشت توسط مردم یکی از پایه های مشروعیت خود را ویران کرده است .
خوزه کازانو» جامعه شناسان اسپانیایی و خانم «جوئن لندی» نماینده «کمپین صلح و دموکراسی» از فعالان چپ آمریکا حمایت خود را از خواسته های معترضان اعلام کرد. نیز به عنوان نمای در تجمع حاضر شد و از معترضان اعلام حمایت کرد.
ئل هیکس، از حقوقدانان آمریکایی نیز به نمایندگی از طرف سازمان «حقوق بشر اول» در سخنان کوتاهی از خواسته های متحصنین دفاع کرد .

دکتر محمد برقی روشنفکر دینی و استاد دانشگاه با تاکید بر اینکه ما در گذرگاه تاریخی هستیم و آنها فقط رای ما را نذر دیدند. بلکه بسیاری از ارزش های ما ارزش هایی چون عدالت و استقلال را نیز دزدیده اند، وی گفت که آیت الله خامنه ای مشروعیت خود را از دست داده است.

فاطمه حقیقت جو و موسوی خویننی ها نمایندگان اصلاح طلب دوره قبل که رد صلاحیت شده بودند نیز در این مراسم سخنانی را بیان کردند.

حقیقت جو گفت که رهبر فکر می کند که اگر بیاید بگوید فلانی رئیس جمهور است همه چیز تمام می شود. رهبری که خودش رهبر کودتا است معلوم است که فصل الخطاب نیست. سخن و موضع رهبری زمانی می تواند فصل الخطاب تلقی شود که رهبر در جایگاه بی طرفی و در جهت آرای مردم باشد نه اینکه بر ضد مردم خودش عمل کند.

حقیقت جو با تاکید بر اینکه «استراتژی آنها ترساندن هست، فکر می کردند کودتا می کنند و عده ای را بازداشت و می کشند و همه چیز تمام می شود اما دیدیم نشد. از ده دوازده سال پیش حرف یک عده نظامی افراطی این بود که اگر ۲۰۰ نفر را بازداشت کنیم اصلاحات ریشه کن می شود و اکنون هم همین کار را انجام دادند.

علی اکبر موسوی خویننی، گفت: آنهایی که در این مدت آرامش مردم را گرفته اند و این خون ها را ریخته اند باید بدانند که نمی گذاریم خواب آرام داشته باشد. اجازه نخواهیم داد فردی که با زور و تقلب و تحقیر مردم سرکار آمده است آرامش داشته باشد. هر جا قدم بگذارد مردم سبز پوش خواهند گذاشت کاری از پیش ببرد. خویننی ها گفت خامنه ای با کاری که انتخابات ریاست جمهوری کرد اعتبار و مشروعیت خود را از دست داده است و نمی تواند به کس دیگری اعتبار بدهد. بنابر این مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری هم بی اعتبار هست ..

دکتر حسین کمالی استاد اسلام شناسی دانشگاه کلمبیا هم از سرمایه داری سپاه یاد کرد و گفت حکومت در حال سرکوب و فریب عده بزرگی از مردم است. آنها فکر می کردند کودتا می کنند و همه چیز تمام می شود. وی خواهان تداوم اعتراض به سرکوب ها و حفظ و تشکیل گروه ها و سازماندهی نیروها شد و وی از حاضران خواست که حداقل با 3 نفر شماره تماس رد و بدل کنند. دکتر کمالی با تکیه بر اینکه ایرانیها در انشعاب و انحلال تخصص دارند آنچه مهم است استمرار این حرکت است

آقای **ظاهر احمد زاده** اولین استاندار استان خراسان که باتفاق همسر و دختر و نوه اش در این مراسم حمایت و شرکت کرده بود نیز سخنانی در مورد ادبیات و شعر انقلاب گفت. جمعیت به احترام وی قبل و بعد از سخنان وی بر پا ایستادند و وی را تشویق کردند.

عبدالعلی رضایی استاد دانشگاه از تورنتو در مورد پرچم گفت پرچم هر کشوری با فراندوم تصویب می شود هیچ کسی نمی تواند پرچم یا نمادی را تحمیل کند. وی در کنار هم قرار گرفتن سه نسل را «از مشخصات بارز حرکت جنبش سبز دانست و گفت باید تلاش کنیم این سه نسل همچنان با هم مرتبط بمانند.»

ص 10 خدا حافظی

عصر برای پایان مراسم و شکستن اعتصاب غذا، قرار بود که آشی را که درست کرده بودند بیاورند و همه بخورند. که دیگر باید برای شرکت در مراسم راهپیمائی اتحاد برای ایران در روز شنبه 25 جولای باید به تورنتو بر میگشتیم که با همه خدا حافظی کردیم و با خاطره ای خوب و دوستانی خوبتر و تجربه ای غنی تر و امید ی به وحدت، نیویورک را ترک کردیم.

هر چند قرار بود پارکینگ مجانی باشد و توسط هتل تقبل می شد ولی بعد از تخفیف خواستند روزی 30 دلار پیردازیم که دیدیم جای هیچ مجادله ای نیست. ماشین را برداشتیم و تا تورنتو 12 ساعتی را در پی یافتن قهوه " تیم هورتن " که یکی از شاخص های کانادائی هاست رانندیم و در مورد اثرات مثبت این حرکت و جوانب استبداد و راه های مبارزه با آن گفت و گو کردیم.

مشاهدات و گفته ها و شنیده ها

1- با توجه به حمایت های گسترده و پوشش خبری توسط رسانه ها انتظار جمعیت بیشتری را داشتیم. حداقل تورنتوئی های کانادا که 800 کیلومتر را با ماشین و اتوبوس آمده بودند توقع جمعیت بیشتری را داشتند. زیرا جمعیت ایرانی نیویورک بالغ بر 10 هزار نفر تخمین زده می شود. البته در روز شنبه 25 جولای چند هزار نفر در تظاهرات شرکت کرده بودند. که البته به گفته ای یک نفر از حمایت کنندگان خودش در این مراسم شرکت نکرده بود.

اردشیر عماتی از فعالان سیاسی چپ ایرانی قدیمی در نیویورک و از بنیانگزاران شورای امریکائی ایرانی می گوید اینها در خط امریکا عمل می کنند و همراه با موسوی باعث تضعیف احمدی نژاد که در این 100 سال اخیر بهترین سیاست خارجی را در برابر آمریکا داشته است، می شود. این گروه هفته دیگر برنامه ای در دانشگاه دارند.

2- جمعیت کیفی بود و نه کمی که از طیف چپ تا سکولار و مذهبی تا غیر مذهبی حضور داشتند. ولی حضور خط فکری سروش، جریان پررنگ فکری اعتصاب بود که همراه با نمک گوگوش و چاشنی آغداشلو و همسرش، هوشنگ توزیع که هر سه روز حضور داشت یک ترکیب جدید و مثبتی را به همراه داشت. در جمهوری اسلامی دو جریان، یکی مصباح یزدی که اکنون از امکانات مالی و سیاسی خوبی برخوردار هست و طرفدار ولایت هستند و ضد جمهوریت، توانسته شاگردان زیادی را تربیت کند. جریان سروش هم که در اوایل انقلاب از امکانات خوبی برخوردار بود، توانسته است شاگردان کیفی تربیت کند. این دو جریان در تعمیق بحث های فقهی و سنتی و روشنفکری دینی نقش جدی داشته اند که نقش سروش در آن غیر قابل انکار هست. البته با قدرت گرفتن سیاسی احمدی نژاد جناح سروش از امکانات دولتی محروم شده اند. این در حالی است که جریان فکری دیگر که درون نظام نیستند (غیر خودی ها)؛ چه در داخل بدلیل اختناق مذهبی و چه در خارج بدلیل سیاسی بودن جو مبارزاتی نتوانسته است شاگردانی تربیت کند و دچار خلا شدیدی هستند.

3- این یک کار جمعی بود که به همت اکبر گنجی شروع شده بود ولی بدلیل شرایط خاص ایران، مور حمایت اقشار مختلف قرار گرفته بود. حسین از شرکت کنندگان می گوید اعتبار این تحصن اگر خوب باشد و یا بد به حساب گنجی ریخته شده است که با توجه به تجارب انقلاب 57 آیا بهتر نیست که جمعی حرکت شود تا خطر انحراف و سازش ان کمتر شود.

گنجی همانقدر که جاذبه دارد اگر به عراق نگویم دافعه دارد. بنابراین این اصرار گنجی در حرکت های تک روانه و یا خط اول بودن انرژی های زیادی را از جنبش می گیرد. وی میزبان اصلی برنامه و آغازگر سخنرانی ها بود.

4- عدم حضور نمایندگان سیاسی آمریکا در این جریان حتی یک عضو انجمن شهر یکی از ضعفهای جدی این مراسم بود. به نظر من ترس از برچسب خوردن توسط جمهوری اسلامی باعث شده است که به هیچ سیاستمدار آمریکائی نزدیک نشوند. در حالیکه ایرانیان آمریکائی می توانند با حفظ خطوط و استقلال در مورد ایران اطلاع رسانی کنند و اتفاقا اجازه ندهند که لابی های سیاسی از منابع غیر واقعی کسب خبر کنند.

دکتر مریدی نماینده پارلمان انتاریو در این مورد گفت و گویی کردم وی گفت اگر ما نتوانیم صدای خود را به گوش سیاستمداران آمریکائی برسانیم یعنی که برای خودمان داریم صحبت می کنیم. مریدی افزود که نباید ترس از برچسب خوردن با سیاستمداران گفت و گو نکرد. در عرصه سیاست نمی توان همه را راضی کرد ولی این وظیفه ما هست که سیاستمداران را از آنچه که در ایران می گذرد با خبر کنیم.

دکتر **علیاد مافی نظام** هم می گوید که در سیستم سیاسی آمریکا تعداد کسانی که مایلند در مورد ایران علاقه نشان می دهند کم نیستند باید به این سیاستمداران رسید.

4- وقتی با آقای **احمد زاده** سلام و علیک می کردم و داستان دستگیری وی را که لاجوردی در روزنامه ها اعلام کرده بود وی در حال خروج از ایران دستگیر شده است در حالیکه دروغ بود و به وی قول داده بود که آنرا تکذیب کند که نکرده بود دکتر برقی گفت اینجا هر کسی همدیگر را می بینند از خاطرات زندانش صحبت می کند نشد یک نفر از خاطرات پارک برای ما تعریف کند.

5- داوطلبان جوان بخوبی و با انرژی و بدون تعصب تمامی بار تدارکاتی را بر دوش داشتند. در آخر سر گلهایی که به گنجی داده شد، وی به این جوانان تقدیم کرد. ولی بنظر من آن چنان که این جوانان باید در این مراسم سهم داشتند نداشتند. با افرادی تماس گرفتم تا اسامی آنها را برای این گزارش داشته باشم کمتر کسی اسمها را بیاد داشت. بدون حضور جوانان، لطافت محسوس و خوبی جو در یک اعتصاب غذا، با توجه به سابقه سیاسی شرکت کنندگان که کمتر حاضر به پیشقدم شدن و تبادل ارا هستند، ممکن نبود. در هر حال مرا یاد دوران خودمان (نسل اولی های انقلاب می اندازد که رهبران جریانات سیاسی و دولتمردان از ما به عنوان سیاهی لشکر، چه به عنوان بسیجی و چه مبارز نقش سیاهی لشکر استفاده می کردند. البته شاید مثال "مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید وحشت دارد باشد"

6- طرفداران اشرف دهقانی موقع خروج دکتر براهنی با وی مجادله می کردند چرا که آنها اجازه سخن گفتن داده نشده است. دکتر براهنی هم گفت من یک حمایت کننده حقوق بشری بوده ام و باورهای خودم را بیان می کنم.

موارد دیگری هم شنیدم که بیانیه و یا سخنان کسانی که بهر دلیل خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی بودند اجازه تریبون داده نشد. از خط محسن سازگار و نو محافظه کاران در این مراسم کسی نبود که بنوعی استقلال از خارجی ها را می رسانند.

بنظر من اگر می توانستند کمی سقف تحمل پذیری را بالاتر می بردند و از برچسب خوردن توسط جمهوری اسلامی دچار خود سانسوری نشده بودند، می توانستند جمعیت بیشتر و طیف وسیع تر فکری و سیاسی را سازماندهی کنند. پرچم های مختلف می توانست حضور داشته باشد.

7- از هلند - نروژ - از استرالیا. از ایالات مختلف آمریکا، یک خانم ایرانی به همراه همسر استرالیائی اش هم جز شرکت کنندگان بودند.

8- **ابی و داریوش** علیرغم اعلام شرکت بدلیل نبودن پرچم در این مراسم شرکت نکردند .

9- از تمامی زندانیان سیاسی تنها عکس **سعید حجاریان** بود که ارتباط خاصی با اکبر گنجی دارد . وی منبع نوشته های بسیار گرانقدر عالیجناب خاکستری گنجی در مورد نقش **رفسنجانی** در برخی حوادث سیاه تاریخ ایران بود .

. البته اسامی همه نوشته شده بود ولی عکسی از زندانیان سیاسی نبود. پوستر کاریکی از هنرمندان ایرانی تورنتو بود. حجاریان در عین حالی که دستگیری اش غیر قانونی هست و باید هر چه سریعتر ازاد شود ولی هنوز حرفهای زیادی در رابطه با تشکیل خشن ترین و مخوف ترین سازمان امنیت دنیا (وزارت اطلاعات) و ناگفته های اعدام های 60 و 67 دارد که نگفته است .

گفتن نگفته های زندانها و زندانیان سیاسی توسط جناح حجاریان و گنجی اصلاح طلبان باعث شده بود که الان این دستگیری ها باحتمال زیاد صورت نمی گرفت. بنظر می رسد در حالیکه ما از گذشته در س آموخته ایم و لی آنرا فراموش نکرده ایم دوستان درس تاریخی نگرفته اند و لی می خواهند انرا به فراموشی بسپارند که ممکن نیست .

10- **اکبر گنجی** از مصاحبه با رادیو اسرائیل خودداری کرد که مورد اعتراض گزارشگر این رادیو قرار گرفت . گنجی گفت که باید حق انتخاب داشته باشد . کسان دیگری هم بودند که با رادیو اسرائیل مصاحبه نکردند زیرا معتقد بودند که رادیو اسرائیل رسماً به وزارت امور خارجه اسرائیل وابسته هست . البته رادیو امریکا هم از کمکهای وزارت امور خارجه امریکا بر خوردار هست ولی بسیاری منجمله گنجی با ان مصاحبه می کنند. شاید یکطرفه بودن رادیو اسرائیل علیه مردم فلسطین باعث می شود که با رادیو اسرائیل مصاحبه نکنند.

11- همیشه جایی که **حمید دباشی** حضور داشت مثل اوایل انقلاب بحث و گفتگو بشدت ادامه داشت و تا ساعتها طول می کشید. دباشی با خونگرمی جنوبی ها و خونسردی صاحبان اندیشه ، خوب گوش می کرد و پاسخ های خوبی می داد.

12- سخنرانی **آرش نراقی** یک سخنرانی بسیار پر حرارت عرفانی بود. بقول عبدی کلانتری ، از این سخنرانی ها سا لها بود که نشنیده بود . وقتی **گنجی** سخنرانی می کرد دوتن از سلطنت طلبان به این سمت آمدند. وقتی حرفهای وی را شنیدند یک پدر ... گفتند و رفتند . وقتی **دکتر کمالی** صحبت کرد چند تایشان ایستادند گوش کردند پرچم ها را هم بسته بودند. وقتی **دکتر آرش نراقی** صحبت کرد، بعد از تمام شدن سخنان وی همه سلطنت طلبان سوار ماشین شدند و رفتند ساعت یک بود . بنظر می آید که سخنان این سخنرانان که با ادب و لی با مغز صحبت می کردند ، انانرا به فکر واداشت که آنچه که تلویزیونهای لس آنجلسی در مورد وابستگی دیگران می گویند چندان هم اعتباری ندارد.

13- روز جمعه یک گروهی از **سافرانسیکو** آمدندو عکس **مصدق** و زندانیان را داشتند . تعدادی هم هندوانه برای مراسم آورده بودند . داوطلبی که مانند **چه گوارا** بود _بقول **فروزنده** از تلویزیون **اندیشه**، خوش تیپ تر از چه گوارا _ وقتی هندوانه ها را تخلیه می کرد یکی از این هندوانه ها را به سلطنت طلبان داد . گوش کردن سخنرانی نراقی و شریک شدن هندوانه در نیویورک در قلب دنیای سرمایه داری دیگر جایی برای اعتراض و ایستادن برای این گروه که به حقایق تازه تری رسیده بودند نگذاشت .

14- به گفته یکی از مسولان مراسم کسی از وابستگان به هیئت سیاسی ایران در سازمان ملل از مراسم عکس برداری می کرد. این برای این هست که بعضی از شرکت کنندگان در دنیای تکنولوژی و تکنیک با ماسک زدن ویا عینک زدن ، می خواستند از تعقیب نیروها ی امنیتی در امان باشند .

####

با تشکر از تمامی کسانی که درتهیه این گزارش ، با عکس و مطلب و صحبت من را یاری کردند.
این گزارش با اندکی تغییرات و عکس های کامل در شماره این هفته 5 شنبه 29 جولای سلام تورنتو- کانادا منتشر خواهد شد

www.salamtoronto.ca

